سیدهاشم سدید 01/01/2017

دلیل این تغییر چیست؟

در دورانی که جهان غرب در آتش کینه و دشمنی و خشونت و جهالت می سوخت، فقر و استبداد بیداد می کرد، هزاران انسان به نام ساحر و افسونگر به انواع بسیار فجیع و دور از باور و بدون نمونهٔ قبلی کشته می شدند، جنگ های خانمانسوز خورد و بزرگ سراسر شمال قارهٔ اروپا را در خود پیچیده بود و کوته فکری کلیسای خرد گریز در مورد انسان و جهان و زمین و آسمان به اوج خود رسیده بود، جهان اسلام، بعد از اختلافاتی که بر سر جانشینی پیامبر پدید آمد و نزاع های خونبار بعد از آن، در نهایتِ میانه روی و تسامح و نرمخوئی و اعتدال و دگرپذیری، نسبت به آنچه در اروپا دیده می شد، بسر میبرد و با شوق و علاقهٔ وافر به اندوختن علم و گسترش مدنیت مصروف بود و توجه بیشتر به آبادانی و صلح داشت تا جنگ و ویرانی و کشت و کشتار.
طبیعیست که این نرمخوئی و تحمل پذیری برخاسته از آیه ها و سوره های متعدد و یک سلسله عناصر فرهنگی دیگر که در اسلام و قرآن نهفته است و مسلمانان را به ملایمت و همزیستی با مسلمان و غیرمسلمان تشویق می کند، نشأت می گرفت، اما داد و ستد گسترده ای که دانشمندان خردگرای جهان اسلام با تمدین های یونانی و روم و هند و چین و غیره داشتند، از آنجائی که دین اسلام بر تعلیم و تعلم و تربیت و دانش و عقلانیت تأکید خاص داشت، نه تنها در تطهیر اخلاق مسلمانان، که در ارتقای قابلیت بردباری و شکیبائی، همچنین در امر گسترش مدنیت و علوم و اکتشافات و اختراعات و ابتکارات و در توسعهٔ فکری و به تبع آن در تعامل گرائی مسلمانان آن دوره با پیروان سائر ادیان در بسا کشور های اسلامی، از جمله در بغداد و دمشق و مصر و اندلس و فلسطین، مخصوصاً در دوران طلائی اسلام ـ قرن هشتم تا قرن سیزدهم میلادی ـ، دست مایه های شایان ذکر و بزرگی شدند.
ظهور ستاره شناسان، محققین، صنعت کاران، جغرفیادانان، شاعران، هنرمندان، اطباء، دریانوردان، ریاضی دانان، مترجمین، فیلسوفان و دانشمندان معروف و مشهوری مانند ابن رشد، ابن میمون، فارابی، ابوعلی ابن سینا، بنی تمیم، زکریای رازی، مسیحی جرجانی، امام محمد غزالی، ابن طفیل، ابو حامد غزالی، ابو یوسف کندی، ابو ریحان بیرونی، ابن نفیس، موسی خوارزمی، طبری، مقدسی و صد ها اندیشمند دیگر، در زمانی که اروپا در تاریک ترین قرون حیات بعد از میلاد مسیح می زیست، نشان از بالندگی معنوی و ملاطفت و حسن خلق مسلمان داشت.
ابن میمون، خاخام، ستاره شناس، طبیب، فیلسوف و ریاضی دان با ذهن جوشانش یهودیی بود، که در پناه مسلمانان آزاد اندیش اندلس آن زمان ـ اسپانیای امروزی ـ همزمان با همتای مسلمان خویش، ابن رشد، که نه سال از او کوچکتر بود، به آرامی و بااحترام کامل زندگی می کرد. گفته می شود که ابن میمون زمانی که از اسپانیا به مصر رفت طبیب مخصوص سلطان صلاح الدین ایوبی، فاتح جنگ های صلیبی، نیز بوده است. یا شموئیل هاناگید، خاخام، شاعر، سخنور و فیلسوف یهودی که وزیر دو پادشاه مسلمان در اسپانیا بود.
ارشاد مانجی، نویسندهٔ کتاب "گرفتاری اسلام"، با آن که از مسلمانان کمی دلخور است، در این کتاب نوشته می کند: «چرا به همینجا بسنده کنیم؟ ابن رشد بیش از هر اروپائی مسلمان یا نامسلمان دیگری در آن زمان، از برابری زن و مرد دفاع می کرد. نظرش این بود که توانایی زنان شناخته نشده"، چرا که "آنها همیشه به بچه آوردن، بچه بزرگ کردن و بچه شیر دادن گماشته شده اند." پیشگویانه به نگهبانان تمدن هشدار می داد که "رفتار با زنان به مثابه باری بر دوش مردان، یکی از دلایل فقر است".»
یکی از گفته های مشهور این فیلسوف نامدار جهان اسلام این بود که ***هیچ حکمی در دین نیست که بگوید همهٔ این عبارت ها را ـ منظور احکام دینی ست ـ باید به معنی تحت اللفظی شان تفسیر کرد.***
از کل این گفته ها برداشت من اینست که در آن دوران خشکه مقدسی های امروزی وجود نداشت و مسلمانان از مباحثه و گفت و شنود در موارد گوناگون، از ستاره شناسی گرفته تا الهیات و حقوق و فلسفه و... پشیبانی می کردند و گرفتاری های امروز ما را نداشتند؛ همچنان از خشونت های امروزی چیزی دیده نمی شد.
بر اساس برخی از نوشته ها اولین پوهنتون جهان اسلام که در مراکش ساخته شده بود، دو صد سال قبل از ساخته شدن اولین پوهنتون در اروپا بود.
خانم ارشاد مانجی در جای دیگر از کتاب یاده شده اش زیرعنوان "چه هنگام از فکر کردن دست کشیدیم" نوشته می کند: «در فاصله سال های 750 و 1250 میلادی، روحیه پرسشگری، به دوران طلایی اسلام جان بخشید. در عراق، که قلب امپراتوری اسلام بود، مسیحیان با همکاری مسلمانان، گرم ترجمه و احیای فلسفهٔ یونان بودند. در اسپانیا که مرز باختری قلمرو اسلام شمرده می شد، مسلمان ها با یهودیان در شرایطی همزیستی می کردند که یک تاریخ دان دانشگاه ییل آن را "فرهنگ مدارا" خوانده است. همهٔ این جوامع در مجموع، پیش پرده ای بودند بر روند جهانی شدن ـ یعنی ارتباط متقابل تکنولوژی، پول و آدمیان. مسلمانان گرم تجارتی گسترده با نامسلمان ها بودند، و نظامی را پایه گذاری کردند که در آن، چکی که در مراکش صادر می شد،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

در سوریه قابل نقد بود. رفت و آمد های تجاری به شکوفایی مبادلات فکری نیز انجامید. بگذارید نمونه هایی از خدمات اسلام به فرهنگ غربی را نام ببرم. گیتار. شربت سینه. دانشگاه. جبر. قهوهٔ مکا و...»
و از قول کسی به نام محمود ایوب از پوهنتون تمپل اضافه می کند: « ***در بغداد بود که مامون، خلیفه ای که در قرن نهم میلادی حکومت می کرد، جایی را به نام "خانهٔ خرد"برپا کرد، نخستین موسسه آموزش عالی در جهان اسلام و در غرب. اما کوردیا ـ قرطبه ـ که نمی خواست از گردونهٔ رقابت فکری بیرون بیفتد، هفتاد کتابخانه کتابخانه تاسیس کرد...»***
پوهنتون الازهر در مصر و نظامیه ها، مراکز تعلیمی عالی که در شهر های دمشق و بصره و هرات و نیشاپور و... در دوران خواجه نظام الملک طوسی، وزیر دو تن از پادشاهان دوران سلجوقیان ساخته شد؛ همه در قرن یازدهم و در دوران طلائی اسلام تأسیس گردیدند.
طاهریان و صفاریان و سامانیان و مغولان و برخی از شاهان و امرای دیگر نیز مردمانی بودند که با فراغت از تعصب و دوری از سخت گیری به بسط و گسترش علوم و حمایت از علماء اهتمام ورزیدند و دربار های شان از افراد مختلف با اعتقادات مذهبی ـ دینی ـ فلسفی ـ فکری، و از ادباء و شعرای گوناگون مملو بود.
شکی نیست که گهگاه خشونت هائی در این گوشه یا گوشهٔ جهان اسلام طی پنجصد سال طلائی اسلام و بعد از آن به مشاهده می رسید، اما مطمئناً آن همه خشونت ها را به هیچوجه نمی توان با خشونت های امروزه ای که به دست یک تعداد از مسلمانان به نام اسلام و کافهٔ مسلمانان نسبت به دیگران روا داشته می شود، چه در برابر مسلمانان و چه در برابر نامسلمانان، قابل مقایسه دانست.
دلیل این تغییر در چیست؟ چرا مسلمانان از آن بلندی های پر افتخار به پائین لغزیدند و امروز در هر کوی و برزن به نام تروریست و آدم کش و بی خبر از مدنیت و دشمن صلح و طالب جنگ شناخته می شوند؟
مراد از این نوشته همین است که نظریات خوانندگان گرانمایه را پیرامون دلیل این *نزول* بدانم. غیر از این کدام نظر خاصی وجود ندارد.
در بخش دوم این نوشته جمع بندیی از نوشته ها، همراه با آنچه خودم در این مورد فکر می کنم، به عمل خواهد آمد.
تا آن وقت خدا یار همه

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ